

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۲۷ - یکشنبه ۹۱/۸/۱۴

#### بررسی احتمال سوم و چهارم در اخبار مَن بَلَّغَ

در احتمال سوم بیان شد با اخبار مَن بَلَّغَ برای عنوان «ما بَلَّغَ علیه الثواب» استحباب اثبات می‌شود. فرضاً اگر عملی مورد امر پدر قرار گیرد گفته می‌شود این عمل واجب است، اما این وجوب به عمل بما هو عملٌ خاص تعلق نگرفته است بلکه بما هو اطاعةٌ للوالد واجب شده است، اخبار مَن بَلَّغَ نیز بیش از این اثبات نمی‌کند که آن عمل بما هو مصداقٌ لعنوان «ما بَلَّغَ علیه الثواب» مستحب است نه اینکه خود عمل بعنوانه مستحب باشد.

در احتمال چهارم نیز بیان شد عنوان «ما بَلَّغَ علیه الثواب» مستحب می‌شود با این تفاوت که در احتمال سوم خود این عنوان دارای مصلحت است و در نتیجه استحباب آن نفسی خواهد بود، بر خلاف احتمال چهارم که استحباب این عنوان، طریق برای درک مستحبات واقعیه است. در واقع شارع برای حفظ مستحبات واقعیه این عنوان را مستحب قرار داده است بدون اینکه در خود این عنوان، مصلحتی نهفته باشد.

اما آنچه از اخبار مَن بَلَّغَ استفاده می‌شود با این احتمالات سازگار است؟

ربما یقال: اخبار مَن بَلَّغَ با احتمال سوم سازگاری دارد؛ زیرا فرموده‌اند که: «مَن بَلَّغَهُ شَيْءٌ مِّنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَعَمَلُهُ كَانُ لَهُ ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا بَلَّغَهُ»؛ کسی چیزی از ثواب به او برسد و او آن کار را انجام دهد برای رسیدن به ثواب مذکور، آن ثواب به او داده می‌شود هر چند در واقع چنین چیزی نباشد. ظاهر این بیان می‌رساند که ثوابی که وعده داده شده است، به عنوان «عملی که ثواب بر آن واصل شده

است» مترتب می‌باشد، در نتیجه به دست می‌آید عنوان «ما بلغ علیه الثواب» دارای استحباب است، نظیر آنکه گفته شده است: «من اطاع والده فله الجنة و من عصی والده فله النار» در نتیجه می‌توان گفت اطاعت والد واجب است و عصیان حرام است. ما نحن فیه نیز چنین است یعنی می‌توان گفت «ما بلغ علیه الثواب» مستحب است.

اگر دقیقاً ما نحن فیه مانند عبارت «من اطاع والده فله الجنة» بود برداشت و احتمال مذکور صحیح بود، ولی اگر بیان کنیم که ما نحن فیه دارای نکته‌ای است که با مثال فوق متفاوت است این تشبیه ناتمام است. به نظر ما در اطاعت والد و نظیر آن چیزی نهفته نیست که اشاره به فرمانی از قبل یا احتمال فرمانی از قبل باشد، بلکه ابتداءً بیان می‌کند که کسی که اطاعت از والد کند فلان پادشاه را دارد و اگر مولا چنین بیانی نداشت وجوب اطاعت والد در مقام تخاطب به ذهن خطور نمی‌کرد، اما اخبار من بلغ در حاق خود مفروض می‌دارد که صرف نظر از این بیان، امری واصل شده و ثوابی رسیده است ولو به واسطه‌ی خبری ضعیف که حجت نیست؛ زیرا بیان می‌کند: «من بلغه شیء من الثواب علی عمل» و سپس بیان می‌کند: «کان له ذلک» یعنی همان ثوابی که به شخص رسیده است برای او ثبت می‌شود، و این معنا تفاوت دارد با جایی که ابتداءً عنوانی ذکر شود که در آن مفروض نشده است که صرف نظر از بیان مذکور ثواب دارد.

در مثال اطاعت از والد، صرف نظر از ثواب مذکور در این عبارت ثوابی مفروض نیست؛ نه از متن عبارت چنین چیزی فهمیده می‌شود و نه از خارج چنین امری مفروض است، اما در اخبار من بلغ از خود خطاب استفاده می‌شود که احتمالاً امری وجود دارد و خبری برای ثواب قائم شده است و روایت تنها بیان می‌کند این ثواب مفروض به عامل داده می‌شود و لذا از چنین عبارتی نمی‌توان استفاده کرد که خود عنوان مستحب است و رجحان دارد، و همان‌گونه که قبلاً بیان شد نظیر این سخن است: هر کس در ب‌خانه‌ی من بیاید دست خالی باز نمی‌گردد. از این عبارت استفاده نمی‌شود که به در خانه‌ی او رفتن نزد او مرغوب است بلکه بیان می‌کند در خارج عملاً چنین است که کسی از در ب‌خانه‌ی من دست خالی بر نمی‌گردد و نیازمندان دستگیری می‌شوند حتی اگر احتمالاً دروغ بگویند، اما این عبارت بیان نمی‌کند که آمدن در ب‌خانه و ابراز نیاز، مطلوب اوست. آری، افرادی که این صفت را از مولا می‌بینند امیدوار خواهند بود که از خانه‌ی مولا دست خالی باز نمی‌گردند.

اخبار من بلغ چنین است که: اولاً و بالذات بیان می‌کند که خداوند دارای تفضّل و کرم است و

کسی که به خدا پناه ببرد ولو با یک حدیث دروغ، خداوند او را ناامید نخواهد کرد و وعده‌ی ثوابی که به او گزارش شده است می‌دهد، اما آیا آن عمل چه به عنوان خود و چه به عنوان «بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابَ» عمّا هو علیه منقلب می‌شود؟ خیر، چنین چیزی از آن اخبار استفاده نمی‌شود. آری، عقل می‌گوید حال که خداوند ثواب می‌دهد و احتمال مطابقت با واقع نیز می‌رود سزاوار است از این وعده‌ی خداوند استفاده کرد، و شارع با علم به ترتّب این اثر و با محبوبیّت این اثر عقلی چنین کلامی را می‌فرماید، بدون آنکه جعلی اضافی داشته باشد. بنابراین احتمال سوم مندفع است.

در مورد احتمال چهارم باید گفت گرچه این احتمال با تبیینی که ما در مورد اخبار مَن بَلَّغَ بیان کردیم فی‌الجمله سازگاری دارد؛ زیرا طبق این احتمال «ما بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابَ» موضوعیت ندارد و طریق برای حفظ مستحبات واقعیه است، ولی به نظر می‌رسد غرضی برای انتخاب این احتمال نداریم؛ چون این اخبار چیزی بیش از طریقت جهت حفظ مستحبات واقعیه بیان می‌فرماید؛ زیرا بیان می‌شود هرچند ثواب مذکور در این اخبار، زیاد و در عین حال دروغ باشد آن ثواب داده می‌شود، پس معلوم می‌شود بیش از طریق برای حفظ واقعیات است و گرنه حداکثر گفته می‌شد ثواب داده می‌شود هرچند دروغ باشد.

### نظر برگزیده در اخبار مَن بَلَّغَ

از آنجا که احتمال سوم دفع گردیده است لامحاله احتمالی که می‌توان انتخاب کرد احتمال پنجم است؛ یعنی این اخبار اولاً و بالذات تفضّل خداوند را بیان می‌کند و از طریق بیان تفضّل و با کمک درک عقل، شارع به هدف دیگری نیز می‌رسد که حفظ مستحبات واقعیه است. همچنین مردم نسبت به اوامر احتمالیّه اهتمام بیشتری خواهند داشت؛ چون که ثواب بیشتری دریافت می‌کنند. و بالجمله چون با بیان تفضّل خداوند متعال هدف حفظ مستحبات واقعیه محقق می‌شود و ظاهر عبارت اولاً و بالذات بیان تفضّل خداوند است و جهی برای التزام استحباب عنوان «ما بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابَ» حتی استحباب طریقی باقی نمی‌ماند. با آنچه که تاکنون بیان شد می‌توان این نتیجه را اثبات کرد که با انتخاب احتمال پنجم، مستحبات واقعیه حفظ می‌شود، علاوه بر آنکه مردم نسبت به انقیاد در اوامر احتمالی تحریک خواهند شد البته از طریق عقل.

### بررسی احتمال ششم در اخبار مَن بَلَّغَ

در این احتمال بیان شد که اخبار مَن بَلَّغَ، محرکیت اوامر ثابتیه‌ی قبلی را تشدید می‌کند. در حقیقت محرکیت چیزی را که می‌دانیم مستحب و دارای ثوابی است تشدید می‌کند.

این احتمال با بعضی روایات سازگار است؛ زیرا در برخی روایات ذکر شده بود: «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ عَلَيَّ

شیءٍ من الخیر» یعنی از ابتدا خیر بودن آن عمل مفروض است، بنابراین اگر چیزی خیر نباشد مشمول روایات نخواهد شد.

ولکن در پاسخ به این احتمال می‌توان گفت:

**اولاً:** روایاتی که مشتمل بر خیر بود فاقد سند معتبر بودند و برخی از آنها نسخه‌ای از روایات بودند.

**ثانیاً:** در مستحبات مثبتین مقید یکدیگر نیستند؛ زیرا با یکدیگر تنافی ندارند. اگر در جایی مولا می‌فرماید: «اکرم العلماء» و در جای دیگری بیان کند: «اکرم العلماء العادل» و ما احتمال دهیم هر دو واجب الإکرام باشند، در این فرض دلیلی نداریم که مطلق باید تقیید شود. آری، اگر بدانیم یک حکم بیشتر نداریم مانند «اعتق رقبة مؤمنة» مطلق، تقیید می‌شود اما در جایی که انحلالی است و احتمال دو حکم داده می‌شود تقیید بدون وجه است.

این قاعده در مستحبات یک اصل است؛ قطع داریم که مستحبات دارای مراتبی است، روایتی بیان می‌کند زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و روایتی دیگر بیان می‌کند زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه مستحب است، نمی‌توان گفت با این روایت، مطلق زیارت را به خصوص روز عرفه مقید کنیم.

در ما نحن فیه که اخبار من بلغ در مقام بیان تفضل می‌باشند مانعی ندارد که طبق روایتی ثواب بر خیری باشد که واصل شده است و در جای دیگر بیان می‌شود که اگر ثوابی بر عملی ذکر شد آن ثواب داده شود هر چند در واقع آن گونه نباشد؛ مثلاً در معتبره‌ی هشام بن سالم بیان شد که: «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ...»؛ کسی که چیزی از ثواب به او برسد و عمل کند به او داده می‌شود. این تعبیر دارای سعه‌ی بسیاری است و هر عملی را شامل می‌شود و دلیلی بر تقیید آن وجود ندارد. بنابراین احتمال ششم نیز قابل قبول نیست.

### نتیجه‌ی نهایی از اخبار من بلغ

این اخبار نمی‌تواند عمل بما هو عمل را مستحب کند، همچنین با این اخبار اثبات نمی‌شود که عنوان «ما بلغ علیه الثواب» استحباب نفسی یا طریقی دارد، ارشادی بودن روایات نیز قابل قبول نبود؛ زیرا بیش از درک عقلی بیان می‌کند، لامحاله احتمال پنجم قابل پذیرش است که اولاً و بالذات این روایات بیان تفضل خداوند می‌کند و ثانیاً و بالعرض از طریق عقل ترغیب به اعمالی که بلغ علیها الثواب می‌کند.

مقرر: سيد حامد طاهري